

<p>فصل سوم</p> <p>درس یازدهم</p> <p>نام طراح: مظفری</p>	<p>به نام خدا</p> <p>معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش</p> <p>دفتر آموزش متوسطه نظری</p> <p>دبیرخانه راهبری درس اقتصاد</p> <p>تولید شده در استان سیستان و بلوچستان</p>	<p>محتوای نوشتاری</p> <p>کتاب اقتصاد</p> <p>سال تحصیلی</p> <p>۹۹-۱۴۰۰</p>
---	--	---

عنوان / موضوع: رشد و پیشرفت اقتصادی

اهداف یادگیری:

آشنایی با رشد و پیشرفت اقتصادی بررسی رشد و چگونگی اندازه گیری رشد اقتصادی - آشنایی با تولید ناخالص داخلی و محاسبه آن و محاسبه ی نرخ رشد تولید - شناخت تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی - آشنایی با شاخص دهک یکی از شاخص های سنجش وضعیت توزیع درآمد - آشنایی با شاخص توسعه ی انسانی (HDI) - آشنایی با الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی

انتظارات پس از مطالعه:

رشد اقتصادی را می داند

نرخ رشد اقتصادی را محاسبه می کند

استفاده از الگوی مرز امکانات تولید برای نشان دادن تاثیرات رشد اقتصادی می داند چگونه رشد اقتصادی را اندازه گیری کند.

تولید ناخالص داخلی و را می داند.

می داند چه مواردی در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شوند.

تولید داخلی اسمی و واقعی را میداند

میتواند محاسبه کند تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن

شاخص های دیگر اندازه گیری پیشرفت اقتصادی را میداند

شاخص دهک را میشناسد

و معیار سنجش وضعیت توزیع درآمد را میداند.

شاخص توسعه ی انسانی را توضیح می دهد.

می داند الگوی پیشرفت اسلامی چیست.

نکات مهم درس

رشد اقتصادی - تولید ناخالص داخلی (GDP) - محاسبه تولید ناخالص داخلی - مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شود - تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی - شاخص دهک یکی از شاخص های سنجش وضعیت توزیع درآمد - شاخص توسعه انسانی (HDI) - الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

توضیح خلاصه:

ما در اقتصاد کشورهایی را که از ۱- قدرت تولیدی بالاتر و ۲- درآمد بیشتری برخوردار باشد کشورهای پیشرفته در نظر می گیریم حال این افزایش قدرت تولید کشور در گرو:

۱- افزایش قدرت تولید شرکت های تولیدی ۲- سازوکارهای مناسب برای ایجاد کسب و کار ۳- دادوستدهای مناسب است.

زمینه سازی، برای بنگاه های تولیدی که بتوانند تولیدشان را از افزایش دهند و بتوانند کسب و کار و داد و ستد آن را بهبود دهند، رشد و پیشرفت است که نقطه مقابل رکود است.

کشورهای پیشرفته به کشور هایی گفته می شود که دارای ویژگی های زیر هستند:
* درآمد و تولید بالایی دارند.

* درآمدها در آن کشورها به صورت عادلانه تری توزیع شده است

* تعداد بیکاران آنها کمتر است.

* در برابر شوک های اقتصادی مقاومت دارند.

* از ثبات نسبی قیمتها و بازارها برخوردار هستند.

* میتوانند در شرایط بحرانی نیازهای اولیه خودشان را تامین کنند و حتی مازاد آن را صادر کنند

* از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردار هستند.

* روحیه اعتماد و همبستگی بین مردم این کشورها برای تکاپو و تلاش اقتصادی برجسته است.

* در سطح منطقه و جهان تاثیر گذارند.

پسی

برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی چند مولفه مورد نیاز است که مهمترین آن ها:

۱- رشد اقتصادی ۲- شاخص های توسعه انسانی ۳- شاخص توزیع عادلانه درآمد

رشد اقتصادی: در لغت به معنی افزایش تولید است که (مفهومی کمی است)

یعنی اگر در جامعه ای میزان واقعی تولید در دوره ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد می گوییم رشد صورت گرفته است

چگونه می توان تولید را افزایش داد؟

۱- سرمایه گذاری بیشتر ۲- به کارگیری روش های بهتر و تکنولوژی پیشرفته تر

این دو مورد سبب افزایش ظرفیت تولیدی بنگاه‌ها می‌شود و باعث افزایش درآمدمی شود.

منشأ رشد اقتصادی:

یکی دیگر از عوامل مهم رشد اقتصادی ← افزایش در منابع (مثلاً کشف منابع نفتی بیشتر یا معادن و یا به عنوان مثال افزایش (نیروی کار) است.

وقتی جمعیت زیاد شود ← نیروی کار زیاد می‌شود (عرضه نیروی کار زیاد می‌شود)

این نیروی کار وارد بازار کار می‌شوند ← با منابع بیشتر (چه طبیعی و چه نیروی کار) تولید کالا و خدمات بیشتر صورت می‌گیرد مثل کشور چین

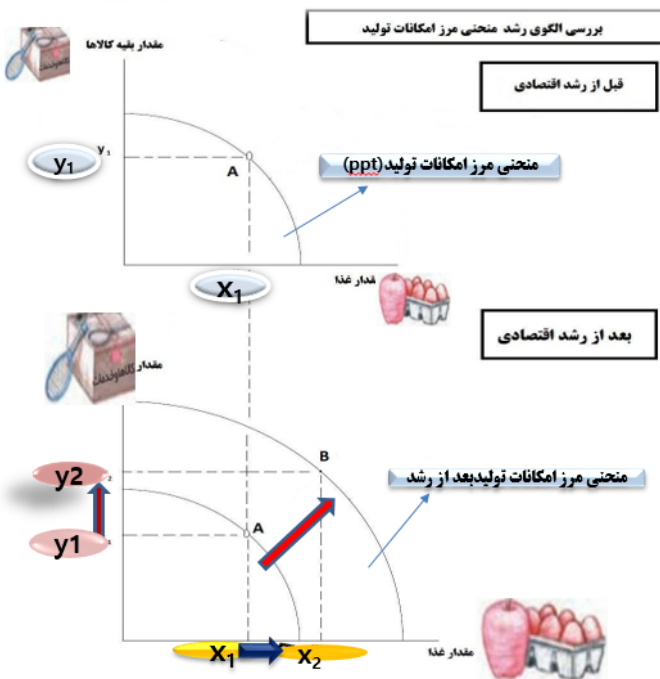
– افزایش سرمایه فیزیکی یعنی افزایش در منابع است ← سرمایه‌های فیزیکی کشور می‌تواند با سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، ساختمان‌های ادارات، ماشین‌آلات و مغازه‌ها افزایش یابد

– سرمایه انسانی هم از عوامل افزایش منابع تولید است چرا که با آموزش نیروی کار تولید افزایش می‌یابد.

پس: با منابع در دسترس بیشتر (۱- منابع طبیعی ۲- منابع انسانی ۳- سرمایه) یک کشور می‌تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند

بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید

از الگوی مرز امکانات تولید می‌توان برای نشان دادن (تاثیرات رشد اقتصادی) استفاده کرد.



با **رشد اقتصادی** منحنی مرز امکانات تولید به سمت **راست**، بالا می‌رود نمودار اول: در نقطه A مقدار X_1 از غذا و Y_1 از کالاهای دیگر است نمودار دوم: در نقطه B مقدار X_2 از غذا و Y_2 از کالاهای دیگر است

$$\text{رشد اقتصادی} = (X_2 - X_1)$$

انسان‌ها ذاتاً به دنبال **رفاه بیشتر** هستند وقتی **رشد اقتصادی** داشته باشیم

وقتی از X_1 غذا رسیدیم به X_2 غذا و

از Y_1 کالاهای دیگر رسیدیم به Y_2 کالاهای دیگر

پس **رشد اقتصادی** داریم یعنی **تولید کالا و خدمات بیشتر شده**

← **افزایش سطح رفاه مردم و رضایت آنها را به دنبال دارد.**

نکته: رشد اقتصادی یک هدف مشترک است، زیرا کشور را قادر می‌سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد

چگونه رشد اقتصادی را اندازه‌گیری کنیم؟ تولید (درآمد) ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی (GDP): ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.

در کشوری فرضی کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است ،

الف) تولید ناخالص داخلی را محاسبه کنید؟

ب) اگر جمعیت این کشور ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر باشد تولید ناخالص داخلی سرانه را بدست آورید؟

مواد شوینده ۴۰ تن هر تن ۲۰۰,۰۰۰ تومان

ماشین آلات ۲۰۰ دستگاه هر دستگاه ۲۰۰,۰۰۰ تومان

پوشاک ۴۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۲۰,۰۰۰ تومان

خدمات ارائه شده ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

ابتدا ارزش کالا های تولیدی را محاسبه می کنیم:

$$\text{ارزش مواد شوینده} = 200,000 \times 40 = 8,000,000$$

$$\text{ارزش ماشین آلات} = 200,000 \times 200 = 40,000,000$$

$$\text{ارزش پوشاک} = 30,000 \times 4000 = 120,000,000$$

تولید ناخالص داخلی (GDP) = خدمات + ماشین آلات + مواد شوینده + پوشاک

$$\text{تولید ناخالص داخلی} = 120,000,000 + 8,000,000 + 40,000,000 + 30,000,000 = 558,000,000$$

ب:

$$\text{تولید ناخالص سرانه} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \frac{558,000,000}{30,000,000} = 18.6$$

هر تولید داخلی ← درآمدی برای تولید کنندگان دارد و هر درآمدی معادل تولید داخلی است.

درآمد داخلی : مجموع درآمدهایی است که در طول یک سال برای کشور به دست می آید.

درآمدهایی از جمله (درآمد حقوق بگیران، درآمد صاحبان سرمایه، درآمد صاحبان املاک و مستغلات، درآمد صاحبان

مشاغل آزاد، سود شرکتها و مؤسسات)

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد داخلی}}{\text{جمعیت کشور}}$$

۱۱,۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰	درآمد حقوق بگیران
۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰	درآمد صاحبان سرمایه
۷,۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰	درآمد صاحبان مستغلات
۳۳۰,۰۰۰,۰۰۰	سود شرکتها

مثال: با توجه به اطلاعات جدول روبه رو

الف) درآمد داخلی

ب) درآمد داخلی سرانه این کشور با جمعیت ۶۰ میلیون نفر

را بدست آورید.

الف: ابتدا مجموع درآمدها را محاسبه میکنیم

$$330,000,000 + 7,680,000,000 + 980,000,000 + 11,110,000,000 = 20,100,000,000$$

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \frac{20,100,000,000}{60,000,000} = 335,000$$

ب: درآمد داخلی را

بر جمعیت تقسیم میکنیم

برای فهم بهتر تولید داخلی، برپنج کلیدواژه ی مهم این تعریف تمرکز می کنیم

- ۱- ارزش پولی: برای اندازه گیری تولید یک کشور به یک واحد مشترک نیاز دارید که آن ارزش کالا و خدمات بر حسب پول است با جمع ارزش پولی کالا و خدمات به مقدار تولید داخلی می‌رسیم
- ۲- کالا و خدمات: تولید فقط تولید کالاهایی مثل توپ و لبنیات و ... نیست که قابل لمس باشد بلکه خدماتی مثل لوله کشی، رانندگی کامیون، معاینه پزشکی و غیره هم جزء تولیدات محسوب می‌شود و باید در محاسبه لحاظ شود
- ۳- تولید نهایی: برای اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی (GDP) ما فقط به کالا و خدمات نهایی توجه می‌کنیم نه کالا و خدمات واسطه ای بکار رفته در تولید زیرا کالا و خدمات واسطه همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده اند و اگر آنها را هم جداگانه محاسبه کنیم کالای واسطه دو بار محاسبه میشود پس با خطای محاسبه مواجه میشویم.
- به عنوان مثال، در تولید یک لباس ما ارزش پنبه و نخ (کالای واسطه ای) به کار رفته در لباس را به صورت جداگانه در نظر نمی‌گیریم بلکه به صورت کلی آن را در ارزش کالای نهایی یعنی ارزش لباس محاسبه و برآورد کرده‌ایم.
- ۴- داخل مرزهای یک کشور: یعنی صرفاً باید در داخل خاک آن کشور تولید شده باشد حتی اگر می‌خواهد تولیدکننده آن فرد خارجی باشد صرفاً تولید داخل خاک و محدوده ی جغرافیایی آن کشور باشد
- ۵) در یک سال: تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی‌شود؛ یعنی چیزهایی که در یک سال ساخته می‌شود و در سال بعد فروخته می‌شود.

مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند:

- بعضی از اقلام تولیدی در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شوند چون محاسبات آنها دشواریهایی دارد.
- ۱) **کار بدون دستمزد**: محصولاتتی که پولی برای آنها ردوبدل نشود در تولید داخلی محاسبه نمیشوند و غایب اند حتی اگر ارزش بالایی داشته باشند مثل: کارهایی که در خانه انجام می‌شود. تعمیر ماشین توسط عمومی
 - ۲) **خرید و فروش کالاهای دست دوم**: خرید و فروش کالاهای دست دوم در محاسبات لحاظ نمیشود از جمله خودرو، مبلمان، خانه این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده اند به حساب آمده اند.
 - ۳) **تولیدات قاچاق و غیر قانونی و زیرزمینی**: فعالیتهای غیرقانونی اقتصاد مثل قاچاق که به آنها اقتصاد زیرزمینی هم گفته میشود در تولید کل کشور محاسبه نمیشوند زیرا ۱- اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست. ۲- عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به آنهاست.

تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی

مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان است. اما چون تولید ناخالص داخلی به واحد پولی اندازه گیری می‌شود، با یک مشکل مواجه هستیم: قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند به طور مداوم در حال تغییر است

برای محاسبه میزان تولید کل در هر سال باید مقدار کل کالای تولید شده را در قیمت هر واحد کالا ضرب کنیم.

فرض کنید یک میلیون خودرو در ایران در سال جاری تولید شود و میانگین قیمت یک خودرو ۵۰ میلیون تومان باشد. مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری عبارت است از:

مقدار \times قیمت = تولیدات سال

پس : ۵۰ هزار میلیارد تومان = ۱ میلیون \times ۵۰ میلیون تومان

اگر سال بعد قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون افزایش یابد در اینجا می بینیم بدون اینکه مقدار تولید ماشین بیشتر شود (همان ۱ میلیون خودرو) میزان تولید کل در سال بعد افزایش یافته پس میتوان گفت این افزایش نشان داده شده حاصل افزایش قیمت هست (از ۵۰ میلیون رسیده به ۶۰ میلیون) یعنی تورم وجود دارد پس در این حالت تولید کل کشور به طور واقعی افزایش نیافته است.

تولید کل	قیمت خودرو	مقدار تولید ماشین	سال
۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	اول
۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	دوم

اقتصاددانان برای حل این مشکل و محاسبه ی تولید ناخالص داخلی واقعی راه حلی را پیشنهاد دادند: محاسبه ی تولید ناخالص داخلی واقعی : باید قیمت ها در سالی که به آن سال پایه گفته می شود ثابت فرض شود. یعنی تولیدات هر سال را بر مبنای قیمت های یک سال مشخص می سنجند پس اثر تغییرات قیمت را از بین می برند و میزان بدست آمده فقط نشان دهنده ی میزان تولید واقعی کشور است.

مثال: محاسبه ی تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی

با توجه به جدول زیر الف: تولید ناخالص اسمی در سال ۹۷ ب: تولید ناخالص واقعی در سال ۹۸ را بدست آورید.

کالا	سال ۹۸		سال ۹۷	
	قیمت (p)	مقدار (q)	قیمت (p)	مقدار (q)
A	۳۵۰	۶۰	۳۰۰	۱۰۰
B	۶۰	۵۰۰	۳۰	۲۰۰

الف: تولید ناخالص داخلی اسمی سال ۹۷

برای محاسبه GDP اسمی باید مقدار تولیدات (کالاهای A و B) سال ۹۷ را در قیمت های همان سال ۹۷ ضرب کنیم و تولیدات کل را بدست آوریم:

$$(300 \times 100) + (200 \times 30) = 60000 + 6000 = 66000$$

ب: تولید ناخالص داخلی واقعی سال ۹۸

برای محاسبه GDP واقعی باید مقدار تولیدات (کالاهای A و B) سال ۹۸ را در قیمت سال ۹۷ (سال پایه) ضرب کنیم

$$(60 \times 300) + (500 \times 30) = 18000 + 15000 = 33000$$

محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن

اگر بخواهیم بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، می توانیم از رابطه زیر استفاده کنیم:

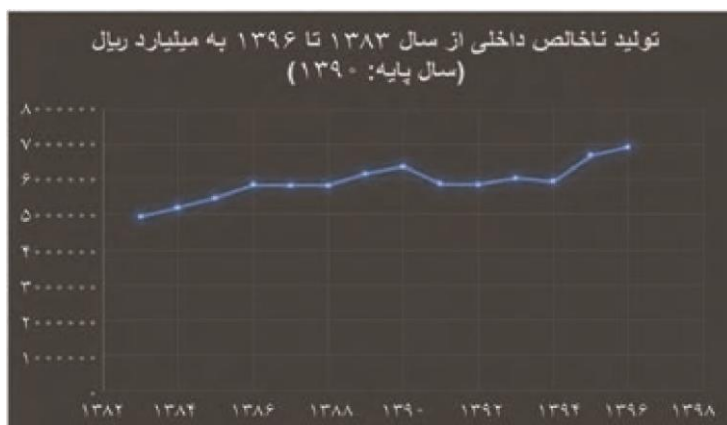
$$100 \times \frac{\text{سال گذشته GDP} - \text{سال جاری GDP}}{\text{سال گذشته GDP}} = \text{نرخ رشد تولید}$$

معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می کنند.

مثال:

اگر تولید ناخالص داخلی کشور در سال جاری ۶۰۰۰ میلیارد و در سال قبل ۲۰۰۰ میلیارد تومان باشد نرخ رشد تولید را محاسبه کنید؟

$$\text{میلیارد تومان} = 200 = \frac{6000 - 2000}{2000} \times 100 = \text{تولید رشد نرخ}$$



معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می شود. با توجه به این نمودار می توان گفت: از سال ۸۳ تا ۹۶ بیشترین میزان GDP به ترتیب مربوط به سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۰ و ۱۳۸۶ است و کم ترین میزان GDP مربوط به سال ۸۲ است.

شاخص های دیگر اندازه گیری پیشرفت های اقتصادی:

اقتصاددانان به ما می گویند که شاخص های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی نمی تواند نشان

دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد زیرا پیشرفت یک کشور فقط محدود به رشد کمی آن یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی نیست

بلکه ابعاد دیگری نیز دارد.

فرض کنید کشوری از نظر شاخصهای رشد وضعیت مطلوبی دارد یعنی:

(۱) تولید ناخالص داخلی (۲) میزان درآمد کشور

پس در زمینه رشد ثروت پیشرفت خوبی دارد اما باید دید که آیا در توزیع ثروت تولید شده در میان مردم هم پیشرفته است یا خیر؟!

اقتصاددانان معمولاً در این مورد از مثال کیک استفاده میکنند آیا بزرگتر شدن یک کیک به معنای آن است که سهم افراد مختلف از آن کیک عادلانه است؟!

مثال: کشورهای مثل آمریکا و چین اگرچه رشد درآمدی بالایی دارند اما گرفتار نابرابری درآمدی هستند یعنی بخش بزرگ از ثروت تولید شده تنها به گروههای محدودی از جامعه تعلق دارد بنابراین **اکثریت جامعه** از درآمد **کمتری** برخوردارند پس برای نشان دادن وضعیت نابرابری در اقتصاد به شاخص دیگری نیاز داریم.

شاخص دهک ها

شاخص دهک ها یکی از معیارهای سنجش وضعیت توزیع درآمد است از شاخص دهک ها در برخی از گزارشهای اقتصادی و به منظور نشان دادن پیشرفت هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است استفاده میشود برای محاسبه این معیار:

➤ مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می کنند .

➤ در طبقه بندی این ده گروه سطح درآمد از کمترین به بیشترین مد نظر قرار می گیرد.

10% اول جمعیت (گروه اول) دارای **کمترین سهم** از درآمد ملی کشور.

10% آخر جمعیت (گروه دهم) دارای **بیشترین سهم** از درآمد ملی کشور.

➤ از محاسبه نسبت **دهک دهم** به **دهک اول** شاخصی را به وجود می آورد که از طریق آن **وضعیت توزیع درآمد** در

کشورهای مختلف با هم مقایسه می شود.

➤ هر چه نسبت دهک دهم به دهک اول **بیشتر**

باشد توزیع درآمد **ناخالص نا عادلانه تر** و

نامناسب تر خواهد بود.

سهم دهک اول	۳ درصد کمترین سهم درآمد ملی
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷ درصد
سهم دهک ششم	۸ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۶ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد بیشترین سهم درآمد ملی
100 درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

مثال: با توجه به جدول زیر وضعیت توزیع درآمد در کدام کشور ناعادلانه تر است؟

کشور	دهک اول	دهک دهم
A	۳۰۰۰	۹۰۰۰
B	۲۰۰۰	۱۲۰۰۰

$$\text{وضعیت توزیع درآمد} = \frac{\text{دهک دهم}}{\text{دهک اول}}$$

$$A \quad \text{وضعیت توزیع درآمد کشور} = \frac{9000}{3000} = 3$$

$$B \quad \text{وضعیت توزیع درآمد کشور} = \frac{12000}{2000} = 6 \quad \text{ناعادلانه تر}$$

جدول زیر مربوط به کشوری با درآمد ملی ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ میلیاردی باشد. چنانچه تفاوت دهک اول و دوم این کشور ۲ درصد و تفاوت دهک نهم و دهم آن ۶ درصد باشد وضعیت توزیع درآمد آن چه عددی است؟

سهم دهک اول	؟	؟
سهم دهک دوم	۲۴۰۰	۴ درصد
سهم دهک سوم	۳۰۰۰	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۳۶۰۰	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۴۸۰۰	۸ درصد
سهم دهک ششم	۶۶۰۰	۱۱ درصد
سهم دهک هفتم	۷۲۰۰	۱۲ درصد
سهم دهک هشتم	۸۴۰۰	۱۴ درصد
سهم دهک نهم	۹۶۰۰	۱۶ درصد
سهم دهک دهم	؟	؟
درصد جمعیت کشور 100	۶۰۰۰۰	۱۰۰ درصد

$$۶۰۰۰۰ \times ۲\% = ۱۲۰۰ \quad \text{سهم دهک اول} = ۴ - ۲ = ۲ \quad \Rightarrow \quad ۲\% = \text{سهم دهک اول} \quad \Rightarrow \quad ۴\% \Rightarrow ۲\% = \text{سهم دهک اول} - \text{سهم دهک دوم}$$

$$۶۰۰۰۰ \times ۲۲\% = ۱۳۲۰۰ \quad \text{سهم دهک دهم} = ۱۶ + ۶ = ۲۲ \quad \Rightarrow \quad ۶\% = \text{سهم دهک دهم} - ۱۶ \quad \Rightarrow \quad ۶\% = \text{سهم دهک نهم} - \text{سهم دهک دهم}$$

سهم دهک نهم

$$\text{وضعیت توزیع درآمد} = \frac{\text{دهک دهم}}{\text{دهک اول}}$$

$$\text{وضعیت توزیع درآمد} = \frac{13200}{1200} = 11$$



▲ : ها

در سال ۸۰ در کشور ۱۰٪ ثروتمندان ۱۴ برابر ۱۰٪ فقرا درآمد داشته اند.

در سال ۹۰ در کشور ۱۰٪ ثروتمندان ۱۲ برابر ۱۰٪ فقرا درآمد داشته اند.

در سال ۹۶ در کشور ۱۰٪ ثروتمندان ۱۴ برابر ۱۰٪ فقرا درآمد داشته اند.

اعداد ۱۸ و ۱۶ و سایر اعداد محور عمودی وضعیت توزیع درآمد را نشان می‌دهد و حاصل تقسیم دهک به دهک اول هستند مثلاً عدد ۱۶ مشخص می‌کند ثروتمندان ۱۶ برابر فقرا درآمد داشته اند و عدد ۱۴ نشان می‌دهد ثروتمندان ۱۴ برابر فقرا درآمد داشته اند.

شاخص توسعه انسانی یا (HDI)

یکی از شاخص‌های رایج جهانی برای اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی کشورهای گوناگون است

مؤلفه‌های تشکیل دهنده ی شاخص توسعه انسانی عبارتند از:

میزان امید به زندگی در بدو تولد ، میانگین سال‌های تحصیل ، سرانه درآمد ناخالص ملی، شاخص نابرابری

علاوه بر مؤلفه‌های نام برده ، مؤلفه‌های زیر نیز در گزارش‌های توسعه انسانی منعکس می‌شود:

*بهداشت عمومی ،*شاخص فقر ،* نابرابری جنسیتی ،* نرخ باروری ،* دسترسی به آب آشامیدنی سالم ،* شاخص

پایداری محیطی مثل (انرژی‌های تجدید شونده و فسیلی کاهش آلاینده‌های محیط زیست و گازهای گلخانه‌ای

نقصان منابع طبیعی ، تغییرات نواحی جنگلی)

شاخص توسعه‌ی انسانی می‌تواند تصویر کامل و بهتری را از پیشرفت اقتصادی کشورها ارائه دهد چرا که تشکیل شده از:
(۱) معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی که میتوان رشد تولید ناخالص داخلی را نام برد.
(۲) معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی
(۳) سایر شاخص‌ها مثل امید به زندگی، میزان سواد، شاخص بهداشت و ...
با ترکیب کردن مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی (HDI) با مولفه‌های رشد اقتصادی نظیر، رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی، به نتایج کامل تری درباره پیشرفت اقتصادی میرسیم.

الگوی پیشرفت اسلامی _ ایرانی

هرچند شاخص‌های توسعه انسانی در کنار شاخص‌های رشد تولید، تصویر مناسب تری از پیشرفت یک کشور ارائه میکند آیا همچنان این تصویر از پیشرفت کامل است؟ باینکه بعضی از شاخص‌ها و موضوعات را در نظر نمی‌گیرد از جمله:

- (۱) شاخص‌های مبارزه با فساد
- (۲) بهبود فضای کسب و کار
- (۳) رشد علم و فناوری
- (۴) موضوعات زیست محیطی
- (۵) پیشرفت‌های فرهنگی - معنوی
- (۶) تفاوت‌های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها
- (۷) تفاوت ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی
- (۸) عدالت اقتصادی و اجتماعی

پس با این وجود این تصویر از پیشرفت کامل نیست زیرا شاخص‌ها و موضوعات مطرح شده را در نظر نمی‌گیرد. آیا ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه ایران با جوامع اروپایی یا آمریکایی یا چینی یکسان است؟ خیر یکسان نیست.

میزان اهمیت دادن به عدالت اقتصادی - اجتماعی در جامعه ایران با کشورهای سرمایه داری غربی متفاوت است؟ بله متفاوت است.

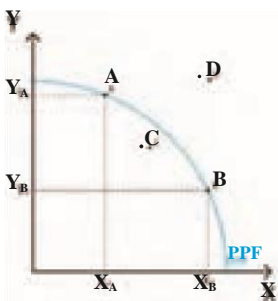
آیا نگاه به زندگی ایرانی‌ها با ژاپنی‌ها تفاوت دارد؟ بله

پس میتوان گفت فرهنگها و آداب و رسوم در پیشرفت یک کشور می‌تواند مؤثر باشد.

در نتیجه: رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور است نه همه آن.

برخی از کشورها و سازمان های بین المللی در طول سده های گذشته، از **شاخص های توسعه** و همچنین **نهادهایی** که **ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده اند**، برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی استفاده کرده اند. در کشور ما هر چند تلاش هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است؛ اما متأسفانه همچنان نهادهای سرمایه داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده ای محدود و توزیع ناعادلانه آن فعالیت دارند. این نگرانی ها باعث شده است تا اندیشمندان کشورمان به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت باشند.

الگوی بومی الگویی است که با شرایط **فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار** باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم ما قرار دهد. الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت است برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.



فعالیت فردی در کلاس صفحه ۱۱۹

در درس چهارم با مفهوم کارایی آشنا شدیم و در این درس درباره رشد سخن گفتیم. تفاوت بین دستیابی به کارایی و رشد اقتصادی را با کمک نمودار توضیح دهید؟

نقطه C در زیر مرز امکانات تولید نشان دهنده این است که اقتصاد از بیشترین منابع اش استفاده نکرده است چراکه حداقل بیشتر از یک کالا می توانست تولید کند بدون اینکه از کالاهای دیگر کم کند با تغییر نحوه استفاده از منابع کشور می تواند به نقطه ای روی مرز امکانات تولید خود حرکت کند مانند نقاط A و B نقاط خارج از مرز نقاطی هستند که کشور منافع کافی برای تولید در آن سطح را ندارند نقطه D رشد اقتصادی منحنی را به سمت راست منتقل می کند که نشان دهنده امکان بیشتر تولید در کشور است یک کشور برای بهره مندی از رشد اقتصادی و برای افزایش انواع سرمایه ها و توسعه ی روش های تولید بهتر، باید از برخی چیزها در زمان حال در اقتصاد چشم پوشی کند. (همان هزینه فرصت است)

فعالیت خارج از کلاس

تولید خالص و ناخالص!

شاید برای شما این پرسش به وجود آمده باشد که واژه ناخالص در عبارت تولید ناخالص داخلی، چیست و تفاوتش با خالص در کجاست؟

بخشی از سرمایه های هر کشور از قبیل ماشین آلات ساختمان ها راه ها و غیره در فعالیت تولیدی مورد استفاده قرار می گیرند که به مرور زمان فرسوده می شود و از بین می رود پس باید بخشی از تولیدات کشور را صرف جبران این فرسودگی یعنی تعمیر یا جایگزینی آنها کنیم پس از کل تولید جامعه در طول یک سال باید قسمتی را به هزینه های جایگزینی سرمایه های فرسوده اختصاص دهید که هزینه استهلاک نام دارد بدین ترتیب اگر ارزش کل تولیدات جامعه را که تولید میشود را اندازه گیری بکنیم تولید ناخالص به دست می آید اما اگر هزینه های استهلاک را از تولیدات ناخالص کم کنیم تولید خالص به دست می آید

فعالیت فردی در کلاس صفحه ۱۲۴

در کشوری با ده میلیون نفر جمعیت، درآمد ملی معادل ۵۰،۰۰۰ میلیارد ریال است. اگر فرض کنیم که توزیع درآمد در این کشور دقیقاً مطابق با درصدهای مشخص شده در جدول است سهم هر دهک از درآمد ملی را تعیین کنید.

سهم دهک اول	۳ درصد
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷ درصد
سهم دهک ششم	۸ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۶ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد
100 درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

جمعیت کل کشور ۱۰ میلیون نفر است پس به ده گروه مساوی تقسیم که شوند در هر دهک یک میلیون نفر قرار دارند.

$$\begin{aligned} \frac{3}{100} \times 50,000 &= 1500 \\ \frac{4}{100} \times 50,000 &= 2000 \\ \frac{5}{100} \times 50,000 &= 2500 \\ \frac{6}{100} \times 50,000 &= 3000 \\ \frac{7}{100} \times 50,000 &= 3500 \\ \frac{8}{100} \times 50,000 &= 4000 \\ \frac{10}{100} \times 50,000 &= 5000 \\ \frac{12}{100} \times 50,000 &= 6000 \\ \frac{16}{100} \times 50,000 &= 8000 \\ \frac{29}{100} \times 50,000 &= 14500 \end{aligned}$$

برای تمرین و تفکر صفحه ۱۲۷

۱- فرض کنید کل اقتصاد کشور ما از دو شرکت تولیدی بزرگ تشکیل شده باشد. مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت اول برابر با یک میلیارد تومان و مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت دوم، برابر با ۵۰۰ میلیون تومان است. با توجه به این دو فرض به سؤالات زیر پاسخ دهید:

تولید ناخالص داخلی اسمی کشور، برای سال جاری چقدر است؟

$$500,000,000 + 1,000,000,000 = 1,500,000,000$$

اگر سهم هر کدام از شرکت ها در تولید ناخالص داخلی ثابت و مطابق با نسبت تولیدات آنها برای سال جاری باشد و نیز اگر اقتصاد کشور از سال قبل تا امسال ده درصد رشد داشته باشد، ارزش اسمی تولیدات هر دو شرکت را برای سال قبل، محاسبه کنید.

پاسخ:

قسمت ب سهم هر کدام از شرکتها = نسبت تولیدات آنها

اول نسبت تولیدات را برای سال جاری نسبت به کل بدست می آوریم

$$\frac{1000/000/000}{1/500/000/000} \cong 67\%$$

$$\frac{500/000/000}{1/500/000/000} \cong 33\%$$

سپس ارزش تولیدات سال قبل را حساب می کنیم (X)

$$\frac{1/500/000/000 - X}{X} = \frac{10}{100} \quad \longrightarrow \quad 150/000/000/000 - 100 X = 10 X$$

$$150/000/000/000 = 110 X \quad \longrightarrow \quad X \cong 1364000000$$

لا از این ارزش تولیدات سال قبل سهم هر شرکت را محاسبه می کنیم

$$1364/000/000 \times 67\% = 913/880/000$$

$$1364/000/000 \times 33\% = 450/120/000$$

$$1364/000/000 \times 33\% = 450/120/000$$

۲- کدام یک از موارد زیر صرفاً نشان دهنده رشد اقتصادی است و کدام یک، نشان دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است؟

- افزایش درآمد هر یک از کارکنان و کارگران شرکت ها: رشد اقتصادی
- نزدیک شدن سهم دهک اول از کل درآمد کشور به سهم دهک دهم: پیشرفت اقتصادی
- افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولید شده: رشد اقتصادی
- افزایش میانگین سال های تحصیل کارمندان شرکتهای: پیشرفت اقتصادی

تحلیل کنید.

چه تفاوتی بین رشد و توسعه و پیشرفت وجود دارد و برای هر کدام چه شاخص هایی وجود دارد؟

رشد اگر در جامعه ای میزان واقعی تولید در دوره ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد می گوئیم در آن جامعه رشد صورت گرفته است رشد به معنای افزایش تولید است پس یک مفهوم کمی است

توسعه در کنار افزایش تولید بر تغییرات و تحولات بنیادی و کیفی دلالت دارد پس یک مفهوم کمی کیفی است که برای دستیابی به توسعه علاوه بر رشد به یکسری شاخص های دیگر و بهبود وضعیت مردم مثل بهداشت و سلامت امید به زندگی برخوردار از امکانات آموزشی و مشارکت موثر در فعالیت های سیاسی و اجتماعی وجود دارد

پیشرفت: گاهی اقتصاددانان برای مقایسه بین کشور ها و روند تغییرات آن ها علاوه بر شاخص های توسعه به

شاخص های دیگر توجه دارند چراکه شاخص های رشد و توسعه به اندازه کافی وضعیت هر کشور را معرفی نمی کند مثل

تغذیه مسکن وضعیت فساد و غیره که در شاخص های توسعه انسانی به این موارد توجه نمی شود بنابراین پیشرفت

اقتصادی کشور دارای مولفه هایی است که رشد اقتصادی، شاخص های توسعه انسانی مثل بهداشت سواد امید به

زندگی و شاخص توزیع عادلانه درآمد از مهمترین آنها است پس رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور است نه همه

آن.

از نظر شما چه رابطه‌ای میان پیشرفت اقتصادی یک کسب و کار و پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟
در اقتصاد معمولاً کشورهایی را که از قدرت تولید بالاتر و درآمد بیشتری برخوردار باشد پیشرفته‌تر می‌دانند
هر کشور هم قدرت تولیدی آن بسته به قدرت تولیدی شرکتها وسازوکارهای مناسب جهت ایجاد کسب و کار بیشتر
است بنابراین پیشرفت اقتصادی یک کسب و کار بر افزایش تولید و به دنبال آن پیشرفت اقتصادی ملی منجر
خواهدشد.